

Knowledge of political interpretation

Vol 5, No 16, Summer 2023

ppt 137-165

Received: 07, MAY, 2023

Accepted: 06, AUG, 2023

The Logic of Contemporary Relations between the Islamic Republic of Iran and the People's Republic of China; With a Cultural Approach

Mohsen Eslami ¹

Hadi Haghparast ²

Abstract

The relations between the Islamic Republic of Iran and the People's Republic of China have always been far from tension throughout the ancient history to the modern era, and today, China's diverse global political, economic and cultural capabilities, parallel to Iran's regional capabilities, require the two countries to define and follow their relations on a strategic level. Throughout history, the cultural and civilisational relations of the two countries have naturally developed in parallel with the artistic and economic fields, and trade transactions have continued since the first Iranian and Chinese delegations interacted with each other more than 2000 years ago. Also in the present era, China's first and foremost priority for Iran is the relationship based on energy supply, and Iran also looks at China as a powerful business partner, which can be seen by considering the cultural capacities of the two countries and re-reading the civilisational relations. It has broadened and deepened the level and depth of relations. Therefore, in this article, we try to examine the logic of relations between the Islamic Republic of Iran and the People's Republic of China through a cultural approach, taking into account the history of relations between Iran and China, as well as the process of Chinese studies in Iran and vice versa, Iranian studies in China. The research question is that the logic of relations between the Islamic Republic of Iran and the People's Republic of China in the contemporary era; What is with a cultural approach? The findings show that the two countries of Iran and China have a history of cultural cooperation, in addition to sharing social and international values. It should be noted that the article was compiled in a descriptive and analytical manner, and the arguments and findings presented in this article were prepared and presented based on the theoretical framework of constructivism.

¹ Associate Professor of International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Eslami.m@modares.ac.ir

² Master of International Relations, Islamic Azad University, South Tehran branch,

Hadihghprst@mailfa.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 5, No 16, Summer 2023

سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان ۱۴۰۲

ppt 136-165

صفحات ۱۶۵-۱۳۶

منطق روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در دوران معاصر؛ با رویکرد فرهنگی

محسن اسلامی^۱

هادی حق‌پرست^۲

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در طول تاریخ کهن تا به دوران معاصر همواره روابطی به‌دوراز تنش بوده و امروز نیز ظرفیت‌های متنوع جهانی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چین و موازی با آن توانمندی‌های منطقه‌ای ایران ایجاب می‌کند که دو کشور روابط خود را در سطح راهبردی تعریف و دنبال کنند. در ادوار تاریخ روابط فرهنگی و تمدنی این دو کشور به‌طور طبیعی به‌موازات حوزه‌های هنری و اقتصادی بسط پیدا کرده و همچنین دادوستدهای بازرگانی از تعاملات نخستین هیئت‌های ایرانی و چینی با یکدیگر در بیش از ۲۰۰۰ سال پیش تاکنون ادامه داشته است. همچنین در دوران معاصر بخش قابل توجه و اولویت نخست چین در قبال ایران روابط مبتنی بر تأمین انرژی است و ایران نیز به چین به‌مثابه یک شریک تجاری قدرتمند نگاه می‌کند که می‌توان با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی دو کشور و بازخوانی روابط تمدنی آن سطح و عمق روابط را

^۱دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۲کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

گسترش داده و تعمیق بخشید. لذا در این مقاله سعی داریم تا منطق روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین را با رویکرد فرهنگی، با توجه به تاریخ مناسبات ایران و چین و نیز روند چین شناسی در ایران و متقابلاً ایران شناسی در چین مورد بررسی قرار دهیم. سؤال پژوهش این است که منطق روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در دوران معاصر؛ با رویکرد فرهنگی چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که دو کشور ایران و چین سابقه همکاری فرهنگی داشته به علاوه از نظر اجتماعی و ارزش‌های بین‌المللی دارای اشتراکات فرهنگی هستند. قابل ذکر است که مقاله به روش توصیفی و تحلیلی گردآوری شده و استدلال و نتایج ارائه شده در این مقاله بر اساس چارچوب نظری سازه‌نگاری تنظیم و ارائه شده است.

واژگان کلیدی: ایران، چین، روابط خارجی، دیپلماسی فرهنگی، تاریخ تمدنی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

مناسبات روابط بین‌الملل در عصر جدید آنقدر به سرعت در حال تغییر و تحول است که در بسیاری از مواقع نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران از بررسی و شناخت دقیق آنجا می‌مانند. لذا تحولات سیاست بین‌المللی به دلیل غیرمنتظره بودن، نیازمند تصمیم‌های جامع و در نظر گرفتن احتمالات و پیش‌بینی مناسبات آینده است. براین اساس تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاست بین‌الملل در یک کشور می‌بایست به پویایی محیط بین‌المللی، جابه‌جایی قدرت و شرایط و بستر بازی قدرت توجه داشته باشند. به این ترتیب و با شواهد موجودی که از اقدامات چین در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... به دست می‌آید به نظر می‌رسد که آینده نزدیک بخش قابل توجهی از نقش‌های اقتصادی و سیاسی جهانی از آن این کشور شرقی خواهد بود. لذا امروز تقریباً کشوری در جهان یافت نمی‌شود که حداقل ۱۰ درصد از ارتباطات تجاری خود را با چین تعریف نکرده باشد (اندیشکده بروکینگز: ۲۰۲۰)، چراکه چین به زودی نقشی به مراتب فراتر از اقتصاد و تجارت در جهان خواهد داشت. لذا اگر چنانچه جمهوری اسلامی ایران هرچه روابط خود، به خصوص روابط فرهنگی خود را با شرق و به ویژه چین گسترش و تعمیق بخشد، با توجه به ظرفیت‌های داخلی خود می‌تواند جایگاه نسبتاً بهتری در آینده جهان کسب کند. سوال این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی گردآوری شده این است که منطق روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در دوران معاصر؛ با رویکرد فرهنگی چیست؟ فرضیه پژوهش این است که دو کشور روابطه تاریخی و قدیمی داشته و در زمان معاصر نیز روابط دو جانبه در زمینه‌های تعامل‌های فکری، علمی و دانشگاهی در کنار زبان‌شناسی می‌توانند داشته باشند.

۲- چارچوب نظری

در این پژوهش چارچوب نظری و مفهومی ما نظریه سازه‌انگاری خواهد بود. این انتخاب به ما در پژوهش کمک خواهد کرد که پیش‌بینی و مدل‌سازی مناسبی برای بهبود و نزدیک‌تر شدن روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین داشته باشیم. چراکه سازه‌انگاری در ادامه نئورئالیسم، در کنار مدنظر قرار دادن مفاهیم و ابزارهای محسوس و سخت قدرت، مفاهیم و ابزار نرم را در تحلیل و بررسی‌های خود لحاظ می‌کند. چارچوب سازه‌انگاری یا سازه‌گرایی ضمن خدشه وارد کردن به نکات و دیدگاه اصلی رئال در رویدادهای بین‌المللی، معتقد است که عناصری چون تاریخ، هویت و پیشینه تأثیرات بسیاری در جهت‌گیری و رویکردهای سیاسی واحدهای بین‌الملل دارد و روابط کشورها را در نسبت باهم تنظیم می‌کند. نظریه سازه‌انگاری بر مبنای زبان‌شناسی و بعضی دیگر از گفتمان‌های سیاسی و انتقادی شکل گرفته است.

سازه‌انگاری به بیان نیکلاس اونف^۱ (onuf 1989)، نظریه‌پردازی که اصطلاح سازه‌انگاری را وارد روابط بین‌الملل کرد، نوعی چارچوب است (مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۷). نظریات سازه‌انگاران^۲ در میان نظریه‌ها و چارچوب‌های روابط بین‌الملل بر نقش «رسانه‌ها» و «هویت ملی» بر سیاست خارجی تأکید می‌کنند. بر اساس رویکرد سازه‌انگاری عملکردهای اجتماعی که موجب تشکیل هویت در داخل شده، باعث می‌گردد بر هویت، منافع و رفتار دولت در داخل تأثیر بگذارد و در نتیجه هویت دولت در سیاست جهانی مشخص گردد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۸۳). بر اساس رهیافت سازه‌انگاران هویت و در نتیجه آن سازه‌های فرهنگی جامعه و هنجارهای آن، عوامل اصلی در تشکیل نقش، منافع، فرصت‌ها و چالش‌های یک کشور است. لذا در این چارچوب روابط بین‌المللی دارای ویژگی‌های فرهنگی و بین‌الذهانی هستند که متاثر از هویت کشورها و فرهنگ آنهاست و حتی عده‌ای مانند رابرتسون^۳ مدعی‌اند که اساساً دولت بر ساخته از هنجارهای

¹ Nicholas Unev

² constructivists

³ Robertson

فرهنگی هر جامعه است. در سازه‌انگاری دولت‌ها مانند افراد که دارای هویت‌های اجتماعی هستند، هویت ملی دارند. سازه‌انگاران اضافه می‌کنند که البته بدیهی است که عناصر قدرت و امنیت دارای اهمیت برای دولت‌هاست، اما همه دایره قدرت در حوزه سخت‌افزاری خلاصه نمی‌شود و کشورها بنا به باورها و فرهنگ مردم خود اهداف و منافع خود را تعریف و دنبال می‌کنند.

از یک‌سو سازه‌انگاران معتقدند که فرهنگ در سیاست خارجی کشورها و سیاست بین‌الملل تأثیرگذار است. از دیگر سو در حال حاضر این دولت‌ها نیستند که تنها یک‌تاز ایفای نقش و تأثیرگذاری در بستر بین‌المللی هستند. دولت‌ها معمولاً به فریب و گمراه ساختن ناظران خود متمایل هستند، اما اگر توجه و تمرکز خود را به دولت‌ها معطوف کنیم و در شناخت رفتار و نیت‌های دولت موفق باشیم، بازهم به پدیده‌هایی بر خواهیم خورد که مستقل و جدای از دولت‌ها شکل گرفته‌اند. دیپلماسی امروزه بنا به دلایل گوناگونی چون جهانی‌شدن، گسترش ارتباطات به وسیله فناوری اطلاعات و نظریه‌های تحلیلی مانند سازه‌انگاری از انحصار پادشاهان و حاکمان و سیاست‌مداران خارج شده و همگان فرصت و امکان دخالت و تأثیرگذاری در آن را پیدا کرده‌اند. امروزه جدای از گروه‌های شبه‌دولتی و غیردولتی، گروه‌های فرهنگی و رسانه‌ای بین‌المللی نیز وارد بازی روابط و سیاست بین‌الملل شده‌اند و از تأثیرگذاری قابل‌توجهی برخوردار هستند. ما اکنون در عصر پراکندگی قدرت و آغاز تغییر ماهیت قدرت به سر می‌بریم و لذا برای شناخت دقیق این شرایط و ملزومات آن باید به نظریه سازه‌انگاری و مفاهیمی چون قدرت نرم توجه داشته باشیم.

۳- ضرورت رابطه راهبردی با چین برای ایران

چین در جهان امروز در بررسی‌های ما دارای زیرساخت‌های اساسی و مدرن برای جایگاه کشوری ابرقدرت است که به برخی از این ظرفیت‌ها اشاره می‌کنیم:

۳-۱- ساخت شبکه‌ای: چین دارای ساخت شبکه‌ای مطلوبی در میان کشورهای شرق و جهان است. ساخت شبکه‌ای کار انتقال، جابه‌جایی و تعامل انسان، کالا، مواد، انرژی، پیام، اندیشه، ارزش، الگو و سایر مواد رابین ساخت‌های نهادی- کالبدی تسهیل می‌کند (دولفوس و لولیویه، ۱۳۶۹: ۱۳۳). چین در این زمینه دارای شبکه‌ای از حمل‌ونقل، شامل راه‌های زمینی، دریایی، هوایی و راه‌آهن است و نیز شبکه‌های ارتباطی و الکترونیکی شامل خطوط تلفن، به‌یسیم، ماهواره، اینترنت، رادیو و تلویزیون و... است. همچنین دارای شبکه‌های انتقال انرژی، سیستم فضایی، ساخت‌های شیلاتی و همچنین مراکز آموزشی، پژوهشی و دانشگاهی عالی است. البته توانایی و زیرساخت‌های چین محدود به این موارد نبوده و در زمینه ساخت پارک‌های صنعتی، کارخانه‌جات، فضاهای اکو توریسم^۱، مراکز تاریخی و باستانی، فرهنگی و سرگرمی غنی است. چین در ساخت شبکه نظامی و امنیتی، اداری و سیاسی و حتی تأسیساتی نیز از دیگر قدرت‌های جهان محسوب می‌گردد. اگر چنانچه ایران تاکنون نتوانسته در این زمینه‌ها جز حوزه نظامی، بهره‌برداری لازم یا کافی را از چین ببرد، به تنظیم و توانایی خود در سیاست خارجی در قبال چین بازمی‌گردد که سیاست صحیحی نیست. ایران در طول دو دهه اخیر که سیاست گردش به شرق را مطرح و دنبال کرده است، بیش از آنکه تصمیم داشته باشد از توانمندی و ظرفیت‌های چین در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری کند، به دنبال جلب توجه و حمایت چین در مجامع سیاسی بین‌المللی بوده و در زمینه اقتصادی نیز نگاه به چین در سیاست خارجی ایران، به‌عنوان منجی یا تکیه‌گاهی بوده که می‌تواند در شرایط بن‌بست تحریم، کشور را از آسیب‌های جدی نجات دهد؛ اما به نظر سیاست درست به این ترتیب بود که ایران با استفاده

¹ ecotourism

از توسعه مناسبات فرهنگی، تجاری و اقتصادی خود بتواند روابط را در عمق و سطح غیرقابل انکاری توسعه دهد تا سیاست و حمایت‌های چین را به خود گره بزند.

۳-۲- نیروی انسانی: جمعیت یا انسان‌های ساکن در مکان و فضای جغرافیایی یکی از عناصر و ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهد (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۲۹۴). چین بعد از هند، دارای بیشترین جمعیت انسانی جهان است و از این جهت نیز در استفاده از این فرصت در تولید توانمندترین کشور جهان به حساب می‌آید که البته در عین حال یکی از وسیع‌ترین کشورهای دنیا پس از روسیه، کانادا و آمریکا قرار دارد. لذا مدیریت، سامان و سازمان‌دهی این جمعیت در جهت توسعه و حرکت به سمت تبدیل شدن به ابرقدرت سیاسی اقتصادی بسیار دشوار است.

۳-۳- جایگاه چین در عرصه بین‌المللی: چین یک بازیگر فعال و کنشگر تأثیرگذار در فضای سیاسی و مناسبات بین‌المللی است. چین توانایی تأثیرگذاری بر تحولات بین‌المللی را دارد و حضور آن در رخدادهای اقتصادی و سیاسی جهان ضروری ارزیابی می‌گردد. همان‌گونه که آمریکا با طرح‌هایی مانند مارشال و نهادسازی در اروپا تلاش کرد تا اروپایی یکپارچه و قدرتمند از نظر علم و فناوری شکل بگیرد و با این وسیله رهبری نظام بین‌الملل توسط خود را تضمین کرد، چین نیز سعی می‌کند با ایجاد نهادهایی چون سازمان همکاری‌های شانگهای و طرح یک کمربند یک جاده، با کشورهای بلوک شرق و آسیا چنین راهی را برود و نظام بین‌الملل را به نفع خود شکل داده و رهبری خود را تضمین و تثبیت کند. همچنین چین تلاش کرد با دیپلماسی حسن‌جواری نگرانی‌های همسایگان خود را درباره رشد سیاسی و اقتصادی خود برطرف کند.

۳-۴- قدرت سیاسی چین: چین به واسطه حضور دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد و قدرت سیاسی خود، توان اقتصادی و صنعتی و تولید و همچنین تاریخ و تمدن خود، در جهان دارای قدرت تراز اول است.

البته جامعه چین در عین همه این قدرت و ظرفیت‌ها از ضعف‌هایی هم برخوردار است؛ مانند:

- چین هنوز نتوانسته قدرت اقتصادی خود را میان مردم توزیع و ثروت ملی نیز درست میان آن‌ها تقسیم کند و همچنین همه چینی‌ها از سطح زندگی مطلوب و باورهای عمومی منطقی برخوردار نیستند.
- چین در حوزه ایدئولوژی یا تفکر مانند صنعت خود ملغمه‌ای از اندیشه‌ها و گرایش‌های فکری امروز و دیروز خود و جهان است که این بزرگ‌ترین ضعف برای یک ابرقدرت محسوب می‌شود. اگر یک قدرت بزرگ نتواند آرمان‌های اخلاقی و فرهنگی جهان‌شمول را برای جامعه بین‌الملل عرضه کند، جایگاه قدرت بزرگ آن محال است که توسط کشورهای دیگر پذیرفته شود و حتی توسعه خودش را نیز به دشواری می‌تواند حفظ کند (مینگ جینگ لی، ۱۳۹۰).

۲- ظرفیت‌های ایرانی برای چین در منطقه و جهان

ایران قدرتی است منطقه‌ای، با سطح تأثیرگذاری جهانی که باید برای جلوگیری از ائتلاف‌های ضد ایرانی که در غرب علیه آن برای مهار ایران در سطح بین‌المللی شکل می‌گیرد، از قدرت‌های بین‌المللی همسوی خود در خارج از جهان غرب بهره‌گیری کند. ایران سرزمین وسیع با ژرفای استراتژیک و منابع سرشار طبیعی، جمعیت بالای تحصیل کرده، نیروی کار مناسب و موقعیت استثنایی ژئوپلیتیک است. فضای طبیعی فلات ایران در شمال از فضای های ماورای قفقاز، سیری و آسیای مرکزی، در شرق از فضای فلات و فلات (هند) و دشت سند و پنجاب، در جنوب از فضاهاى آبی اقیانوس هند، خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان و در غرب از فضاهاى فلات آناتولی و دشت‌های

بین‌النهرین جدا می‌شود. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب غربی آسیا، بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و به‌طور خاص در منطقه خاورمیانه به‌عنوان معدن عظیم انرژی و تأمین احتیاجات کشورهای آمریکایی، اروپایی و ژاپن و چین واقع شده است (قاضی‌زاده و طالبی فر، ۱۳۹۰: ۲۹۴).

ایران به دلیل موقعیت و منابع ویژه خود همواره در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌ها و کشورهای بزرگ بوده است و مورد تعدی، تجاوز و هجوم آن‌ها قرار گرفته است و این روند در طول یک‌صد سال اخیر همراه با ضعیف شدن قدرت ایران، افزایش پیدا کرده است و مردم و حافظه تاریخی ایران دچار یک بدبینی نسبت به اکثر قدرت‌های سیاسی و صنعتی امروزی شده‌اند؛ اما چین از جمله کشورهای توسعه‌یافته، قدرتمند و صنعتی است که جدای از شرقی بودن و نزدیکی تاریخی و معرفتی به ایران، هیچ‌گاه درگیری قابل توجهی با ایران نداشته و در حافظه تاریخی سیاسی و بین‌المللی ایرانیان جایگاه خوبی دارد. چین و ایران می‌توانند برخلاف اکثر قدرت‌های غربی و حتی شرقی با یکدیگر بدون ابهام، ابهام و کنایه یا نگرانی رابطه برقرار کنند. در عین حال چین در جهان امروز نیز جایگاه خوبی نزد ملت‌های دنیا به لحاظ عدم استفاده از قدرت سخت یا تسلط و سلطه بر جامعه‌ای دیگر دارد. از آنجاکه نظام و ساختارهای سیاسی، ریشه در فرهنگ هر کشور دارد و این باورهای مردمان هر کشور است که سیاست‌ها را تشکیل و پیش می‌برد، مردمان شرق نیز قطعاً اشتراکاتی را با همدیگر در باورهای سنتی و فرهنگی دارد، از جمله دو تمدن باستانی ایران و چین از مفاهیم فرهنگی و تمدنی قابل‌اعتنای مشترکی بهره‌مند هستند. وقتی ارزش‌ها، فرهنگ، تاریخ و تمدن دو ملت نزدیک و در ارتباط باهم باشد، قطعاً استراتژی‌های آن‌ها نیز که بر خواسته از تاریخ و ارزش‌هاست، در یک جهت و نزدیک به هم خواهد بود، به همان ترتیب که دولت و نظام‌های سیاسی دولت‌شهری در یونان و غرب نیز میان هم نسبت و ربطی داشتند. چین در طول یکی دو دهه اخیر که برای ابرقدرتی بین‌المللی خیز برداشته است، نیاز به هم‌پیمانان و شرکایی داشته و همواره دارد، چراکه باید

در برابر فشار و مهار ایالات متحده آمریکا مقاومت کند و این مقاومت در برابر قدرت آمریکا و هم‌پیمانانش در جهان و شرق آسیا، نیاز به همراهان بین‌المللی و راهبردی دارد. چین برای گریز از شبکه و حلقه مهار آمریکا ناگزیر است که به کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران توجه کند تا به سرنوشتی مانند شوروی در برابر آمریکا دچار نشود.

۳- پیشینه روابط دو کشور

روابط چین و ایران را در درازای تاریخ، پیش از آنکه روابط دو کشور در روابط بین‌الملل خواند، می‌توان به‌عنوان تعاملات دو تمدن اطلاق کرد. این سطح از روابط عمیق مردمی، دولتی و تمدنی در کل، باعث شکل‌گیری بینش مشترکی میان دو کشور شده که این بینش نیز بر اساس مؤلفه‌هایی چون داشتن تمدن، امپراتوری بزرگ و جهانی، داشتن اختراعات و خدمات بسیار به بشر و در نهایت روبه‌زوال رفتن هر دو امپراتوری به‌واسطه ارتباط یا دخالت‌های غربی بود. این روابط نزدیک تا آنجا بوده که چین در حمله اعراب به ایران مخالف بوده و همین باعث همکاری‌های نزدیک‌تر دو کشور در دوران جدید شده است (آذری، ۱۳۶۷: ۱۸۳).

در تاریخ اساطیری هر دو کشور داستان‌هایی در مورد یکدیگر دارند. به‌طور مثال نقل شده است که فریدون پادشاه ایران سرزمین تبت، چین و بلاد مشرق را به یکی از سه پسر خود به نام توریا طوج سپرد و به این ترتیب سرزمین چین در ابتدا به ایرانیان تعلق داشت و زمانی که مابین فرزندان فریدون اختلاف می‌افتد از ایران جدا می‌شود (مینگ جینگ لی، ۱۳۹۰). بنا به آثار و شواهد تاریخی موجود، نخستین هیئت‌های سیاسی میان ایران و چین بیش از ۲۰۰۰ سال قبل مبادله شد و تا قرن‌ها بعد از آن نیز تماس و ارتباط سیاسی دو کشور ادامه و دادوستدهای بازرگانی گسترده و پیوندهای فرهنگی و هنری بسیاری میان طرفین وجود داشت (قاضی‌زاده و طالبی فر، ۱۳۹۰: ۲۵۲). کاغذ از مهم‌ترین عناصر وارداتی از چین به

ایران در تاریخ بود. چگونگی ساخت کاغذ از چین در ۱۳۴ ق وارد ایران شد و همچنین هنر مینیاتور روی سفال نیز از ایران به چین صادر و مورد استفاده قرار گرفت. نگارگری و مینیاتوری ایرانی با اشکال خاص خود در دوره ایلخانیان وارد چین شد.

در زمان امپراتوری هان در چین بود که ابریشم چین مورد توجه و استقبال خانم‌های روم قرار گرفت و آن ابریشم را از راه آسیای مرکزی به انطاکیه، بغداد و اسکندریه که بعدها به جاده ابریشم مشهور شد وارد و تهیه می‌کردند. در زمان درگیری ایرانیان با اعراب، پس از آنکه یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی از سپاه اسلام شکست خورد و به هلاکت رسید، پسرش پرویز برای بازپس‌گیری تاج و تخت و سرزمین ازدست‌رفته امپراتوری ایران از اعراب، از چین درخواست کمک کرد، ولی امپراتور چین به دلیل بعد مسافت و اینکه به‌تازگی از جنگ داخلی و حملات ترکان خلاصی یافته بود، به این درخواست پاسخ مثبت نداد. ولی ایرانیان پناهنده را مورد پذیرایی قرار داده و به پرویز ساسانی مقام ژنرال ارتش امپراتوری اعطا کرد (روشن، دیانت و خانی، ۱۳۹۶: ۱۳۵). بر اساس منابع موجود، در زمان سلطنت مهرداد دوم (اشک نهم ۷۶-۱۲۴ قبل از میلاد) روابط دو کشور برقرار شد و سفیر چین در اواخر سده دوم قبل از میلاد به ایران آمد. در نتیجه مسافرت فرشاد، امپراتور دولت اشکانی تسهیلات کافی برای تجارت جهانی چین به وجود آورد (مینگ جینگ لی، ۱۳۹۰).

در دوران جدید چندین سده میان ایران و چین جدایی افتاد تا آنکه در سال ۱۲۹۹ در اجلاس صلح پاریس، قرارداد دوستی میان ایران و چین در رم به امضا رسید و قرار شده دو کشور سفیر خود را به کشور مقابل اعزام کنند. این قرارداد به سبب درگیری هردو کشور با مسائل داخلی و رسیدگی به روابط خود با قدرت‌های بزرگ جهان و ضعف دولت‌های ایران و چین، سفیری ردوبدل نشد (ملک‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۱۵). با به قدرت رسیدن رضا پهلوی در ایران در ۲۰ آذر ۱۳۰۸ شارژدافر چین در رم به دیدار پاکروان سفیر ایران

در ایتالیا شتافت و ین سن چن^۱، نماینده وزارت خارجه چین را که به منظور تحقیق درباره تجارت و صناعت و معارف، برای رفتن به ایران، ترکیه و افغانستان مأمور شده بود، معرفی کرد و خواست که او را به وزارت امور خارجه ایران معرفی کند (وزارت امور خارجه، ۱۳۰۸). در زمان حکومت چیانکایچک سفارت ایران در چونگ کینگ افتتاح شد و سپس به نانکن انتقال یافت. البته قبل از آن در سال ۱۲۹۹ عهدنامه مودت، کنسولی و قضایی بین دو دولت منعقد شده و سپس در سال ۱۳۱۲ مطابق با ۱۹۷۱ به رسمیت شناخته شدن کرسی چین در سازمان ملل روابط دو کشور از سر گرفته شد (مینگ جینگ لی، ۱۳۹۰).

تا قبل از انقلاب اسلامی ایران زمینه و بستر در فضای بین الملل برای روابط نزدیک ایران و چین وجود نداشت. ساختار دوقطبی نظام بین الملل و قرار گرفتن ایران در بلوک غرب باعث شد که ایران در لوای سیاست های آمریکا و در مقابل چین قرار بگیرد. تا آنجا که در مدت ۲۲ سال از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۱ ایران جمهوری خلق چین را به رسمیت نشناخت و با مقامات تایوان به اصطلاح روابط سیاسی را حفظ کرد و با آن سفیر مبادله کرد (مجلس، ۱۳۹۵). روابط ایران و چین در پیش از انقلاب اسلامی به طور خلاصه به دو حالت تقسیم می شود: رابطه - عدم رابطه. رابطه ایران و چین در دوران پهلوی دوم بیشتر به واسطه حل شدن مشکلات و تعارضات آمریکا و چین و نیز نگرانی ایران و چین از جانب شوروی بود که شکل گرفت. بعد از مرگ مائو، همراه او وانگ هونگ و چیانگ چنگ نیز سیاست های انقلابی چین تعدیل شد و رویکرد توسعه گرا به خود گرفت که منجر به بهبود و روابط با ایران گردید. تا پیش از آن نیز بنا به افراطی گری های رهبران اصلی حزب کمونیست رابطه ایران و چین الشعاع تعارضات و درگیری آمریکا و چین و رویکرد انقلابی چین قرار گرفته و بسیار سست و کمرنگ بود.

بعد از رخداد انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹، ایران به تبعیت از آمریکا رابطه خود را با چین قطع و روابط را با تایوان آغاز کرد. در کودتای ۲۸ مرداد که منجر به سقوط دکتر مصدق شد،

¹ Yen San Chen

توسط چین شدیداً محکوم گردید. به علاوه پیوستن ایران به پیمان‌های دفاعی مختلف و تأیید دکترین آیزنهاور مورد انتقاد دولت چین قرار گرفت و آن کشور ایران را متهم به وابستگی به امپریالیسم آمریکا نمود. بعد از جنگ جهانی دوم و خطر شوروی برای ایران نگرانی‌هایی به وجود آورد که باعث نزدیکی ایران به ایالات متحده شد که این باعث عدم شکل‌گیری رابطه ایران و چین می‌شد که در نهایت با خودداری ایران در سازمان ملل برای به رسمیت شناختن چین این تلقی، قطعی به نظر رسید. همچنین دولت ایران در سال ۱۹۵۵ به پیمان بغداد پیوست و موضع ضد کمونیستی خود را در عمل نشان داد و تهران در سال ۱۹۵۶ به شکل رسمی روابط دیپلماتیک خود را با تایوان برقرار کرد و در قالب موضع‌گیری‌های گوناگون نشان داد که از نظر ایران، چین به لحاظ ایدئولوژی و ساختار حکومتی تفاوتی با شوروی نداشته و اقدامات این کشور در شبه‌جزیره کره و منطقه تبت نیز محکوم است (ارغوانی، ۱۳۹۴: ۲۷۴). رادیو بیجینگ در سال ۱۹۶۶ ضمن پیام تبریک سال نو به ایرانیان ابراز امیدواری کرد که در سال جدید مردم ایران با برافراشتن پرچم کاوه آهنگر بر ضحاک مستبد پیروز شوند. همچنین مجله بیجینگ نیز در همین سال اعلامیه‌ای را صادر کرد که طی آن با اطلاق عنوان رژیم دست‌نشانده برای شاه به سرکوب انقلابیون ایران اعتراض کرده و رژیم ایران را خدمتگزار دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا معرفی کرده که دیر یا زود توسط مردم زحمتکش ایران پیروز خواهند شد.

چین حضور ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای^۱ را به نفع صلح و ثبات بین‌المللی و ملت‌های دو طرف ارزیابی می‌کند. چین برای نقش ایران در امور بین‌الملل و منطقه اهمیت قائل و مایل است آن را در سازمان همکاری شانگهای تقویت کند، از این رو از عضویت ایران در سازمان استقبال کرده و آمادگی خود را

^۱ Shanghai Cooperation Organization

بر گسترش روابط در همه زمینه‌ها ابراز داشته است (انوری و رحمانی موحد، ۱۳۸۸: ۲۷۳).

در سوم بهمن‌ماه ۱۳۹۴ بیانیه‌ای میان ایران و چین امضا و منتشر شده است تحت عنوان «مشارکت جامع راهبردی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» از آن یاد می‌شود. در این بیانیه مشترک ذکر شده است که: در شرایطی که روند چندقطبی شدن نظام بین‌الملل و جهانی‌شدن اقتصاد گسترش عمیقی یافته، مناسبات دو کشور ایران و چین از اهمیت استراتژیک برخوردار شده و یکدیگر را شریک راهبردی مهم خود دانسته و توسعه روابط فی‌مابین را در اولویت سیاست خارجی خود قرار می‌دهند. گسترش مناسبات و باثبات روابط فی‌مابین با منافع مشترک دو کشور مطالبت داشته و به حفظ صلح، ثبات و توسعه منطقه و جهان منجر می‌شود (نهاد ریاست جمهوری ایران: ۲۰۱۶).

۴- نزدیکی روابط ایران و چین در دوران معاصر

به واسطه خروج انگلیسی‌ها از خلیج فارس و نگرانی چین، آمریکا و ایران از حضور و نفوذ شوروی در این منطقه و همچنین بهبود روابط آمریکا و چین و در نهایت موافقت ایران با طرح آلبنانی مبنی بر اخراج تایوان از سازمان ملل و پذیرفتن چین واحد، روابط ایران و چین در دوران پهلوی دوم مجدداً آغاز و روبه‌پیشرفت گرایید. پس از سفر ریچارد نیکسون^۱ رئیس‌جمهوری آمریکا به چین، چارچوب تئوری موسوم به خط واحد یا یک پهنه بزرگ را برای این کار در نظر گرفت. این خط واحد معروف جبهه‌ای مرکب از آمریکا، ژاپن، چین، پاکستان، ایران، ترکیه و اروپای غربی بود (حسین عسگریان، ۱۳۹۴: ۲۷۴). مقاومت در برابر نفوذ شوروی در منطقه و اقیانوس هند باعث گردید که نگرانی‌های مشترک ایجاد و باعث حفظ روابط در سطح بالا شود.

^۱ Richard Nixon

جالب است که پیش از سفر هنری کیسینجر^۱ در قالب معروف دیپلماسی پینگ پنگ به چین، در تاریخ ۱۳ آوریل ۱۹۷۱ اشرف پهلوی و در ۳۰ آوریل نیز خواهر دیگر شاه، فاطمه پهلوی به چین سفر و مورد استقبال چوئن لای قرار می‌گیرند. این سفر و دیدار در شرایطی است که ایران و چین روابطی رسمی با یکدیگر نداشتند. در جانب چین، پس از اعلام پایان انقلاب فرهنگی چین که اجازه نمی‌داد وزیر خارجه چین به خارج مسافرت نماید در اولین فرصت یعنی در ژوئن ۱۹۷۳، جی پینگ فی^۲، وزیر خارجه چین به ایران، انگلیس، فرانسه و پاکستان سفر می‌نماید. در نوامبر ۱۹۷۶ نیز هیئت کنگره خلق چین به ایران سفر نمود (بی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۲۵۹).

اوج روابط و آغاز رفت و آمدهای دیپلماتیک ایران و چین در سال ۱۹۷۸ بود که رئیس حزب کمونیست چین به‌عنوان بالاترین مقام چینی از ایران دیدار کرد که این دیدار چون در دوران بی‌ثباتی و شرایط انقلابی ایران بود، بعدها موجب بدبینی انقلابی‌های ایران نسبت به چین و سردی روابط و عدم تمایل ایران به چین در زمان بعد از انقلاب اسلامی شد. امام خمینی (ره) در ۱۹۷۸ در مورد سیاست‌های قدرت‌های بزرگ از جمله چین در ایران فرمودند که جوانان ما باید بدانند که چین و روسیه همانند آمریکا و انگلیس از خون ملت ما تغذیه می‌کنند. من از شما تقاضا دارم که از شعارهایی که از سوی شاه هدایت می‌شوند دوری کنید و تلاش کنید تا از هرگونه انحراف به شرق و غرب مستقل باشید و فریفته چپ‌اولگران بین‌المللی نشوید. امام همچنین در زمانی دیگر می‌فرمایند: سیاست خارجی آمریکا، انگلیس، روسیه و چین و سایرین از رژیم فاسد شاه و جنایت‌هایش حمایت می‌کنند (خمینی، ۱۳۷۳: ۳۲). یا در مورد چین مجدد می‌فرمایند: چین با حکومت مادی و غیر الهی به همان اندازه خطرناک بود که آمریکا و شوروی (خمینی، ۱۳۷۳: ۱۶۵)؛ اما

¹ Henry Kissinger

² Ji Ping Fei

به‌مرورزمان و تدبیرهای دولت چین و همچنین پیام عذرخواهی هوگائوفنگ^۱ از امام خمینی (ره) باعث احیا شدن روابط دو کشور شد.

چینی‌ها پس از گذشت دوران کوتاه انقلاب اسلامی و بی‌تمایلی رهبران ایران برای ارتباط با چین، چند انگیزه داشتند: اول اینکه در برابر حمله‌های آمریکا علیه ایران در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در ایران باید تا حدودی از ایران حمایت می‌کرد و در جلسه شورای امنیت ۱۹۸۰ برای محکوم کردن ایران شرکت نکرد تا جای آمریکا را برای ایران به‌عنوان یک کشور دارای حق و تو پر کند و از دیگر سو از وجهه ضد غربی خود کاسته و ایران به‌عنوان یک کشور انقلابی ضدآمریکایی شناخته و توجه‌ها را به خود جلب کند؛ و دوم آنکه چین بنا به برنامه‌های صنعت و توسعه خود تصمیم نداشت روابط خود را با کشورهای خاورمیانه؛ یعنی منبع انرژی دچار خدشه کند یا ننگه دارد؛ و سوم چین نگران تأثیرپذیری استان خودمختار سینگ کیانگ از انقلاب اسلامی ایران بود و اراده کرد تا روابط خود با ایران را بهبود بخشد و سفر هوگائوفنگ در ۱۹۷۸ به فراموشی سپرده شود.

با ورود به دهه ۱۹۹۰ دو نکته در مورد روابط ایران و چین مشهود می‌شود؛ از یک سو نقطه اشتراک دو کشور در مخالفت با استیلا جویی آمریکا بر جهان و نیز خاورمیانه مشخص می‌شود، اما امید تهران برای آنکه بتواند با درک اهمیت خود برای چین مانع از اثرگذاری آمریکا بر روابط دو جانبه ایران و چین شود محقق نمی‌شود (دهقانیان، ۱۳۹۸: ۲۷۴)؛ یعنی ایران انتظار داشت که چین آمریکا را در تحریم‌ها علیه ایران در فضای بین‌المللی یاری نکند. چراکه ایران این واقعیت را درک نکرد که آن درجه از اولویت و اهمیت را برای بیجینگ ندارد که به‌واسطه آن روابط چین و آمریکا مورد مخاطره قرار بگیرد. ضمن آنکه چین تصمیم گرفته بود که وضع موجود آسیا و جهان را در جهت پیشرفت و توسعه خود بپذیرد و درست به همین دلیل این کشور در دهه ۱۹۹۰ برخلاف ۱۹۸۰ نتوانست نقش

¹ Hougaofeng

برجسته خود در کمک نظامی به ایران را ادامه دهد، درحالی که در دوره جنگ مهم‌ترین تأمین‌کننده سلاح ایران بود، اما در دوره بعد از آن اهمیت خود را به تدریج از دست داد و جایش را به روسیه و حتی کره شمالی داد (دهقانیان، ۱۳۹۸: ۲۸۸).

توجه به دیدگاه‌های مشترکی که میان رهبران دو کشور به وجود آمد همچون زمینه‌ی مبارزه با استیلاطلبی قدرت‌های غربی موجب نزدیک شدن دو کشور شد ایران در زمینه‌ی حقوق بشر و مسأله‌ی تایوان، مقابله با تحریم‌ها، و تو قطعنامه‌ها و رفت و آمد مقامات عالی‌رتبه‌ی دو کشور و افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی در این شرایط، زمینه را برای همکاری فرهنگی نیز فراهم کرد. در سال‌ها و دهه اخیر اقتصاد و تجارت محور اساسی و اصلی روابط ایران و چین را تشکیل می‌دهد و چین به روابط اقتصادی با ایران قائل و در طی دو دهه اخیر که این حوزه بین دو کشور رشد چشم‌گیری داشته است توانسته بازار خوبی در ایران برای خود فراهم کند؛ اما برخلاف چین هدف ایران از روابط با چین بیشتر از اهداف اقتصادی، اهداف سیاسی است. ایران البته در شرایط تحریم توانسته با کمک چین نیازهای خود را تأمین کند، اما در درازمدت و نگاه استراتژیک نه در حوزه سیاسی و نه در حوزه اقتصادی ایران به منافع خود دست پیدا نکرده است روابط اقتصادی نه باعث ایجاد روابط راهبردی میان دو کشور، بلکه باعث وابستگی اقتصادی و صنعتی ایران به چین شده است.

با انعقاد تفاهم‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین در اسل ۱۴۰۰ روابط دو کشور وارد مرحله جدید از تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده است. اگرچه نگارنده به نگاه ایرانی به این تفاهم‌نامه که صرفاً آن را نجات‌بخش برای اقتصاد ایران می‌داند انتقاد داشته و نسبت به آن خوش‌بین نیست. چراکه اولاً چالش‌های اقتصادی ایران عزیز بیش از آنکه به مسائل بین‌المللی وابسته باشد به سو مدیریت و بی‌تدبیری‌های داخلی بستگی دارد و دوما هیچ‌کس در جهان امروز نمی‌تواند با تکیه بر کشور دیگر پیشرفت کند، مگر اینکه به روزمرگی و سال‌ها در دام درحال توسعه بودن راضی باشد. لذا ایران باید بیش از هر چیز به

خود و ظرفیت‌های خود تکیه کند و بعد از یک مرحله کاشت داخلی خوب، به مرحله برداشت بین‌المللی فکر کند؛ اما درعین حال با رویکردی منطقی و واقع‌بینانه و البته با کمی دقت در روابط فرهنگی دو کشور، می‌توان از این بستر یعنی تفاهم‌نامه ۲۵ ساله به‌خوبی بهره برد و ارتباطات فرهنگی، مردمی و گردشگری ایران و چین را تقویت کرد. هرچند با رویکرد فعلی انتظار نمی‌رود که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه نیز موفق شود. چراکه به ابتدایی‌ترین نکات احترام فرهنگی و ادبیات سیاسی طرف مقابل خود دقت نمی‌کند. به‌عنوان مثال پس از گذشت بیش از ۸۰ سال از انقلاب کمونیستی چین و تغییر نام پایتخت این کشور از نام استعماری پکن به نام ملی بیجینگ، همچنان حتی رسانه‌های رسمی داخلی ایران پایتخت چین را پکن می‌خوانند و این قابل‌گذشت نخواهد بود.

۵- تعاملات عمومی و فرهنگی ایران و چین

نخستین موافقت‌نامه فرهنگی ایران و چین در ۱۳۳۶ منعقد شد و به تصویب مجلس سنا در ایران رسید و در ۱۳۴۴ یعنی ده سال بعد به اجرا درآمد. در آن مقطع امور فرهنگی و بین‌المللی ایران در وزارت امور آموزش و پرورش و اداره کل روابط فرهنگی وزارت امور خارجه انجام می‌گرفت؛ اما مبنای روابط فرهنگی دو کشور بعد از پیروزی انقلاب موافقت‌نامه فرهنگی است که در سال ۱۳۶۲ امضا شده است. همچنین تاکنون هفت برنامه مبادلات فرهنگی میان دو کشور به امضا رسیده است. نقش دانشگاهیان، دانشجویان، هنرمندان و سایر اقدار اجتماعی در توسعه روابط فرهنگی دو کشور مهم هستند. همکاری و تعامل سازنده، پایدار و درازمدت راهبردی با کشورهای شرق آسیا نیازمند سرمایه اجتماعی است. بهره بردن از پارادایم‌های به‌عنوان یکی از راهبردهای کاربردی برای نزدیک ساختن جوامع ایران و چین و کاهش نقش مخرب رسانه‌های خارجی در رابطه تهران و پکن است. ایران و چین می‌توانند به اشکال مختلف از ایجاد و گسترش پارادایم‌های «دیپلماسی موازی» بین‌بازیران غیردولتی و مردمی حمایت کنند. در عصر

ارتباطات مجازی، بازیگران غیررسمی و غیردولتی اثرگذاری بیشتری از بازیگران رسمی و دولتی دارند. لذا سرمایه‌گذاری در افزایش «شهروند دیپلمات‌های مسلط به دیپلماسی عمومی از میان خبرنگاران، هنرمندان، دانشجویان و پژوهشگران می‌تواند به پیشبرد بیش‌ازپیش روابط و مناسبات ایران و چین کمک کند. پارادایلماسی می‌تواند از طریق بسط روابط فرهنگی و اقتصادی شهری و استانی دو کشور و از طریق مقامات محلی نیز دنبال شود) اصلانی، عباس: ۱۴۰۱).

وزارت آموزش چین گزارش داده که در سال ۲۰۱۵ نزدیک به ۴۰۰۰۰۰ دانشجوی خارجی برای تحصیل به چین رفته‌اند که ۳۱۷۲۰۰ نفر آن‌ها از حوزه کشورهای جاده ابریشم بوده‌اند و در دهه اخیر این تعداد ۵۰ درصد افزایش یافته است (پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت آموزش چین: ۲۰۱۶)؛ اما سهم ایران از این تعداد فقط ۱۴۰۰ نفر است. تعداد دانشجویان چینی در ایران به‌طور رسمی اعلام‌نشده است اما از آنجا که ۹۰ درصد دانشجویان خارجی در ایران تبعه کشورهای افغانستان، سوریه، آسیای مرکزی، هند و پاکستان هستند، تعداد دانشجویان چینی چندان چشمگیر نخواهد بود. به‌علاوه در بخش گردشگری که ارتباط فرهنگی مؤثری میان مردم دو کشور پدید می‌آورد، تبادل ایران و چین ناچیز است. در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۲۰۰۰۰ ایرانی از چین دیدن کردند و تنها ۹۵۰۰۰ چینی به ایران آمدند. با احتساب گردشگران ۱۲۹ میلیون نفری چین سهم ایران بسیار ناچیز بوده است.

اگرچه بخش فارسی رادیوی بین‌المللی چین در سال ۱۹۵۷ کار خود را آغاز کرد، رسانه‌ای اثرگذار در منطقه نبوده است. بخش فارسی سایت china.com نیز فعال است. این سایت متعلق به موسسه نزدیک به دولت گروه رسانه‌ای جهانی است که عموماً مواضع دولت چین در امور جاری و پیشرفت‌های صنعتی این کشور را بیان می‌کند. شاید موفق‌ترین طرح فارسی‌زبان چینی‌ها صفحه CRI Persian با ۴۴۰۰۰۰ لایک باشد که آن نیز در مقایسه با ۴,۵ میلیون لایک برخی رسانه‌های فارسی‌زبان غربی چندان چشمگیر

نیست. از نظر میزان مشارکت کاربران در پست‌ها، به هیچ وجه قابل مقایسه با رسانه‌های فارسی‌زبان غربی نیست.

از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ پژوهش در مورد ایران در چین وارد مرحله‌ی پیشرفت وسیع، دامنه‌دار، همه‌جانبه و عمیقی شد. نتایج این پژوهش‌ها ۱۴۰۰ عنوان مقاله و مطلب است که بیش از ۸۸ درصد از کل پژوهش‌های انجام‌شده در مورد ایران در چین را تشکیل می‌دهد. این گسترش نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر اجرای سیاست استراتژیکی مهم چین مبنی بر اصلاحات و درهای باز سیاسی در مدت ۳۰ سال گذشته و شکوفایی همه‌جانبه‌ی پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون مسائل بین‌المللی و همچنین بیانگر تحولات بزرگ اوضاع سیاسی و اقتصادی جهان، بالا رفتن جایگاه چین و ایران در خاورمیانه و جهان، گسترش تأثیرگذاری همه‌جانبه‌ی دو کشور در یکدیگر است (سابقی، علی محمد: ۱۴۰۱).

نخستین سمینار ایران‌شناسی در سال ۱۳۷۱ شمسی با شرکت اساتید چینی و ایرانی برگزار شد، دومین سمینار ایران‌شناسی در سال ۱۳۷۵ شمسی با حضور اساتید مختلف ایرانی و چینی در دانشگاه پکن برگزار شد، سومین سمینار ایران‌شناسی در آبان ماه سال ۱۳۸۱ با ارائه‌ی ۲۴ مقاله‌ی علمی در همان دانشگاه برگزار و شرکت کنندگان در ۴ نشست جداگانه به بررسی و تحلیل دستاوردها و یافته‌های علمی خود در زمینه‌ی فرهنگ، تمدن، تاریخ، روابط دو کشور و آثار باستانی کشف‌شده در چین پرداختند، چهارمین سمینار ایران‌شناسی در تاریخ دهم و یازدهم آبان سال ۱۳۸۶ با ارائه‌ی ۲۴ مقاله‌ی علمی و پژوهشی در زمینه - های مختلف برگزار شد و پنجمین سمینار ایران‌شناسی در آبان ۱۳۸۹ در دانشگاه پکن برگزار شد

به باور ایران‌شناسان چینی، هنوز زمان آن نرسیده است که بررسی تطبیقی، کاربردی و مشروح این اسناد و مدارک روابط تاریخی در یک تعامل دوجانبه میان محققان چینی و ایرانی و با استناد به اسناد بازمانده به زبان‌های چینی، فارسی، سانسکریت، پالی، سغدی، عربی، سریانی، تبتی، مغولی، منچویی و سایر زبان‌های اقوام دیگر که با چین پیوند

داشته‌اند، چه در داخل ایران و چین و یا موجود در آرشیو و موزه‌های سایر کشورها، عملی و پذیرفتنی باشد؛ اما شروع و گسترش سریع مراکز و مؤسسات ایران‌شناسی و تربیت پژوهشگران علاقه‌مند به این موضوع در محافل علمی و دانشگاهی چین و اهتمام جدی آنان به موضوع ایران‌شناسی در سال‌های اخیر، نشانه‌ی خوبی از باور به ضرورت پرداختن به این موضوع مهم و حساس است (سابقی، علی‌محمد: ۱۴۰۱).

۶-۱- گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای

به همان میزان که نفوذ فرهنگی ایران در کشور هدف به پیشبرد سیاست و منافع ایران کمک می‌کند، شناخت فرهنگ و تصمیمات درست و سیاست‌های واقع‌بینانه نیز دارای اهمیت است.

در سال ۱۹۹۷ میلادی گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای با همکاری دانشگاه شهید بهشتی ایران و کمک‌های سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شانگهای بنیان نهاده شد. دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۹۹۷، دوره کارشناسی ارشد در سال ۲۰۰۷ ایجاد شد. در طول بیش از ۱۵ سال تلاش مداوم، تربیت دانشجویان زبان و ادبیات فارسی لحظه‌ای با وقفه مواجه نشد که در نتیجه‌ی آن تا امروز، بیش از ۶۰ تن از فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای در سازمان‌ها و اداره‌های مختلف دولتی، شرکت‌های تجاری و مراکز رسانه‌ای اشتغال یافته‌اند.

۶-۲- مرکز ایران‌شناسی دانشگاه یون نان

مرکز ایران‌شناسی دانشگاه یون نان سومین مرکز ایران‌شناسی در چین است که پس از دانشگاه پکن و دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی شانگهای تأسیس شد. موضوعات

پژوهش‌های این مرکز بسیار گسترده است. تاریخ روابط چین و ایران، تاریخ و فرهنگ ایران، گروه شیعه دین اسلام، اقتصاد ایران، همکاری انرژی و امنیتی بین چین و ایران و زنان اسلامی از جمله موضوعات پژوهشی در این مرکز است. هم‌اکنون تعداد ۸ پژوهشگر در مرکز ایران‌شناسی دانشگاه یونان فعالیت می‌کنند.

۶-۳- مرکز ایران‌شناسی دانشگاه پکن

این مرکز از سال ۱۹۹۴ میلادی توسط دانشگاه پکن با همکاری با دولت ایران تأسیس شده است. فعالیت‌های این مرکز طی سال‌های اخیر در تشکیل سمینار استادان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های سراسر چین، تشکیل مجمع علمی و نمایشگاه هنر ایران، برپایی نخستین سمینار ایران‌شناسی در چین، برگزاری کلاس‌های آزاد زبان فارسی در دانشگاه پکن و منطقه مهم تاجیکستان نشین تاشقورقان در استان شین جیانگ بوده است (خبرگزاری ایرنا: ۲۰۲۱).

۶-۴- مرکز ایران‌شناسی دانشگاه جنوب غربی

مرکز ایران‌شناسی وابسته به دانشکده تاریخ و فرهنگی دانشگاه جنوب غربی چین است که در ماه ژوئن سال ۲۰۰۷ میلادی تأسیس شد. این مرکز با همکاری با رایزن فرهنگی سفارت ایران در چین فعالیت می‌کند که از پنجمین مرکز ایران‌شناسی در چین است. این مرکز متشکل از سه بخش تحقیقات مانند بخش تاریخ، جامعه و فرهنگ ایران، بخش روابط بین‌المللی ایران و بخش اقتصاد و جغرافیای ایران است.

۶-۵- همسویی و تشابهات اجتماعی چینی و ایرانی

در اساسی‌ترین سطح بازیگران دارای مجموعه‌ای از هنجارها-باورهای درست و نادرست هستند. هنجارها به هویت‌ها- تفکیک ما از آن‌ها- شکل می‌بخشد. هویت‌ها نیز به‌نوبه خود منافع را رقم می‌زند. اگر منافع تغییر کنند به خاطر تغییر اساسی است که در هویت‌ها و هنجارها پدید آمده است (جمیز روزنا و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸۴). پس دو ملت چین و ایران به دلیل روابط نزدیک بسیار طولانی و تاریخی و اشتراکات فرهنگی و تمدنی در بسیاری از مواقع دارای منافع مشترک نیز خواهند بود. دو کشور از یک هویت تمدن باستانی و کهن و همچنین هویت روحیه‌ای شرقی برخوردارند و طی انقلاب‌های مردمی، تلاش دارند که به جایگاه شایسته خود در جهان دست پیدا کنند. از زمان دوران اصلاحات، چین از افراطی‌گری اجتناب کرده و به سمت دکترین مین پیش رفته، در واقع، از یک ناظر انقلابی به یک مشارکت‌کننده سهام‌دار درون نظام حرکت کرده است. چین فعالانه در اصلاحات سازمان ملل، مذاکرات شش‌جانبه، مبارزات ضد تروریسم، مذاکرات عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، ابتکارات حمایت از محیط‌زیست، همکاری منطقه‌ای و جهانی، همچنین در سازمان‌های بین‌المللی از قبیل آپیک^۱ و آسه آن+۳ شرکت می‌کند.

پس نباید از روابط نزدیک با چین نگران بود و خیال کرد که چین در حال ابرقدرت شدن اقتصادی برای ما خطرناک است و ما را تحت سیطره اقتصادی خود درمی‌آورد. چراکه در عصر جوامع و سیاست اطلاعات محور، قدرت دیگر سلسله مراتبی نیست و این شبکه‌ها هستند که خالق قدرت خواهند بود و نیاز ایران به چین و چین به ایران دو طرفه است. ایران، چین و روسیه باید خود را یک شبکه ببینند. کنفوسیوس که بیشترین تأثیر فرهنگی را در چین دارد تأکید می‌کند که: آنچه را که نمی‌خواهید دیگران برای شما انجام بدهند، شما نیز برای دیگران انجام ندهید. این

¹ Asia-Pacific Economic Cooperation Organization

بسیار شبیه به همان سخن معروف امیرالمؤمنین (ع) است که می‌فرماید: آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران نپسند (برقی، خالد: ۱۳۷۴).

جامعه ایران از چند جهت به چین شباهت دارد. ایران چون چین کهن است و دارای سابقه‌ای طولانی و دراز در تاریخ و تمدن جهان و این‌یک روحیه استقلال‌طلبی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به آن می‌دهد و در مواجهه با تهدیدات و درگیری‌های بین‌المللی با تکیه بر تاریخ و آموزه‌های دینی خود با غرور وارد می‌شود؛ اما از طرفی هم در عین حال نیازمند نوگرایی و نوسازی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. ایران جامعه‌ای نوگرا دارد و مردم خواستار تغییرات در بسیاری از مناسبات و بسترهای سنتی و قدیمی خود هستند. چین نیز چون ایران تا پیش از انقلاب خود شرایطی بسیار نزدیک به ایران داشت و امروز با تلاش و برنامه‌ریزی توانسته در زمینه اقتصادی و صنعتی خود را بازسازی و نوسازی کرده و بار دیگر نام خود را در جهان طرح و یادآوری کند.

دیگر تشابهات فرهنگی و تمدنی ایران و چین استمرار فرهنگی آن‌ها در طول تاریخ است. در طول تاریخ و وسعت جهان، تنها ایران، چین، هند و ژاپن هستند که می‌توانند مدعی باشند از تمدن برخوردار بوده و در طول بیش از سه هزار سال نیز توانسته‌اند این تمدن و فرهنگ آن را حفظ و استمرار دهند، به‌خصوص ایران که در ادوار زمانی مختلف مورد هجوم مختلف قرار گرفته است. در این تشابه فرهنگی و استمرار آن، اسطوره‌گرایی و افسانه‌ها نخستین پدیده تاریخی است که افکار و تصمیمات وزندگی مردم دو کشور تأثیرگذار است. کار اسطوره‌ها این است که ناخودآگاه جمعی را به قسمت خودآگاه آن پیوند می‌زنند. اسطوره‌ها محکم‌ترین رشته‌هایی هستند که تداوم فرهنگی یک جامعه را تضمین می‌کنند و پایه محکمی برای هویت فرهنگی یک قوم یا جامعه به وجود می‌آورند

(نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۸۳). دو کشور دارای موسیقی و سازهای اصیل خود هستند که تناسبی هم با روحيات و اخلاقیات آن جامعه و موقعیت فرهنگی و اقلیمی‌شان دارد. چین و ایران اسطوره‌هایشان شامل از ساده‌ترین مسائل تا راز آفرینش و نحوه شکل‌گیری آن می‌شود. در چین و ایران قدیم علوم بسیار پیشرفته داشته و به‌خصوص در ستاره‌شناسی و طب که هنوز هم مورد استفاده سایر جوامع هست. ادیان و اساطیر ایرانی تا پیش از اسلام مانند چین باستان، به‌شدت با اساطیر و اسطوره‌ها درهم‌تنیده بود؛ چین همچون ایران آشکارا ارزش لیبرال دموکراتیک غرب را رد می‌کند و دولت چین اغلب به‌عنوان مرتکب شونده نقض حقوق بشر در فضای داخلی تلقی شده است (مینگ جینگ لی، ۱۳۹۰). چین می‌تواند بسیاری از ظرفیت‌ها و استعدادهای کشور مانند انرژی و توریست را به امکانات و فرصت‌های بالفعل درآورد ایران برای تبدیل ظرفیت‌های خود به فرصت‌های اقتصادی و صنعتی نیازمند روابط خارجی و سیاست خارجی است و چین کشوری است که می‌تواند نقش مهمی در این‌باره داشته باشد. در بسیاری از موارد ما در کمال بی‌توجهی حوزه اقتصاد و فرهنگ یا سیاست را از هم مستقل دیده و مورد بررسی قرار می‌دهیم، در صورتی که در واقع و در حوزه اجرایی مرز مشخصی میان این‌ها وجود ندارد و هر اقدام اقتصادی ممکن است با انگیزه فرهنگی یا سیاسی انجام شود و یا بالعکس. روابط فرهنگی همواره نقطه مقدم و پیشانی روابط دو کشور و کشورها خواهد بود و مقدمه‌ای است برای روابط سیاسی، اقتصادی و روابط یا اختلاف فرهنگی نیز منجر به اختلاف سیاسی و اقتصادی خواهد شد.

جمع بندی

در مقاله پیش رو تلاش داشتیم تا ضمن مرور مباحثی مانند پیشینه روابط تاریخی تمدنی ایران و چین، ضرورت روابط راهبردی با چین برای ایران، ظرفیت‌های ایران برای چین در منطقه، بررسی روابط ایران و چین در دوران معاصر و همچنین فعالیت‌های ایران‌شناسی در چین و تبیین همسویی و شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی دو کشور، بستر و بینش لازم را برای ترسیم مسیر توسعه روابط راهبردی و عمومی دو دولت ملت فراهم آوریم که زمینه ایجاد این بستر نیز روابط فرهنگی و مردمی دوجانبه خواهد بود. چین و ایران به‌عنوان دو تمدن کهن و شرقی که در مقاطع مختلف رابطه تاریخی نیز با یکدیگر داشته‌اند. درعین حال در دوران جدید با توجه به ظرفیت‌های جهانی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی چین و همچنین نفوذ فرهنگی، سیاسی و نظامی ایران در غرب آسیا و روابط دوستانه با یکدیگر، دو کشور می‌بایست برای ارتقای روابط خود و توسعه آن قدم‌های جدی بردارند. گسترش فعالیت‌ها و تعاملات فرهنگی و اجتماعی میان دو ملت در حال حاضر قابل قبول نیست و به‌عنوان مثال در عین ادعای مسئولین دو کشور مبنی بر روابط راهبردی، در جامعه علمی ایران رشته تحصیلی مطالعات چین شکل نگرفته و در بسیاری از زمینه‌ها، حتی حوزه سیاست خارجی شناخت کارشناسان ایرانی نسبت به تصمیمات و

رویکردهای بین‌المللی چین در سطح آشنایی است و از عمق و بینش کافی برخوردار نیست. لذا بازخوانی روابط تمدنی و سعی در جهت ایجاد ساختارهای منسجم برای توسعه مناسبات مردمی و عمومی دو کشور اقدام شایسته‌ای در راستای ایجاد بینش نخبگان و شناخت عموم مردم از یکدیگر خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آذری، علاءالدین (۱۳۶۷). تاریخ روابط ایران و چین، تهران: امیرکبیر.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۴). درآمدی بر روابط راهبردی چین و ایران، تهران: نشر مخاطب.
- اصلانی، عباس (۱۴۰۱). روابط فرهنگی و مردمی بین ایران و چین؛ مسیر پیش رو: خبرگزاری ایرنا
- انوری، حمیدرضا و مرتضی رحمانی موحد (۱۳۸۸). سازمان همکاری شانگهای، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- بی‌نیاز، علی (۱۳۹۴). «تأثیر توافق هسته‌ای بر روابط ایران و چین»، کتاب چشم انداز روابط ایران و چین، ابرار معاصر تهران: شماره اول.
- بیلیس و اسمیت (۱۳۸۳). جهانی‌شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، جلد دوم، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- برقی، خالد (۱۳۷۴): *المحاسن*، جلد دوم، قم، موسسه فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، چاپ دوم.
- دولفوس، لولیویه (۱۳۶۹). فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، مشهد: نشر نیکا.
- جیمز روزنا و دیگران (۱۳۹۰). انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- روشن، حامد و محسن دیانت و عادل خانی (۱۳۹۶). فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۸، تبیین جایگاه فرهنگ در روابط ایران و چین، ص ۱۲۱-۱۴۴.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.

قاضی‌زاده، شهرام و عباس طالبی فر (۱۳۹۰). مناسبات راهبردی ایران و چین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عسگریان، حسین (۱۳۹۴). چشم‌انداز روابط ایران و چین، تهران: ابرار معاصر تهران. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). وصیت‌نامه سیاسی الهی، تهران: نشر برگ نگار.

دهقانیان، محمدحسین (۱۳۹۸). ایران در آینه سیاست خارجی چین، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مینگ جینگ لی (۱۳۹۰). قدرت نرم چین، ترجمه عسگر قهرمان پور بناب، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

ملک‌زاده، الهام (۱۳۹۵). «روایت اسنادی روابط فرهنگی ایران و چین در دوران پهلوی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال هفدهم و هجدهم، شماره ۶۸ و ۶۹، ص ۲۴۵-۲۲۹. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۵). «بررسی جامع روابط دوجانبه ایران و چین»، شماره مسلسل: ۱۴۸۲۵، کد موضوعی: ۲۶۰.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۷). مبانی تبیین و تحلیل سیاست، خارجی، تهران: سمت.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸). تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

Full text of Joint Statement on Comprehensive Strategic Partnership between I.R. Iran, P.R. China(2016): The information base of the institution of the Islamic Republic of Iran: <https://www.president.ir/en/91435>

Gilley, Bruce. (2011). Paradigms of Chinese Politics: kicking society back out. Journal of Contemporary China - J CONTEMP CHINA. 20. 10.1080/10670564.2011.565181.

<https://www.brookings.edu/articles/global-china-regional-influence-and-strategy/>

Int'l Iranology seminar held in Peking University(2021):
<https://en.irna.ir/news/84516750/Int-l-Iranology-seminar-held-in-Peking-University>

Lukes, Steven. (2005). Power: A Radical View. 10.1007/978-0-230-80257-5_2.

ministry od education the people republice of china, china sees rapid rise in foreign students(2016):
http://en.moe.gov.cn/news/press_releases/201611/t20161102_287359.html

Rush, D and Emilie, K(2020): Global China: Regional influence and strategy, Brookings think tank

Slater, Dan & Wong, Joseph. (2013). The Strength to Concede: Ruling Parties and Democratization in Developmental Asia. Perspectives on Politics. 11. 10.1017/S1537592713002090.

Zhang, Changdong. (2021). State Capacity and State Power in Contemporary China.